

کُزرفتاری

کتاب «کُزرفتاری» اثر ریچارد تیلر، دورنمای جذابی از شکل‌گیری «اقتصاد رفتاری» را به تصویر می‌کشد. این کتاب با بیانی روان و داستانی، شما را به درکی تازه از رفتارهای اقتصادی خود و اطرافیان‌تان می‌رساند. تیلر که به «پدر علم اقتصاد رفتاری» شهرت دارد و جایزه نوبل اقتصاد در سال ۲۰۱۷ را از آن خود کرد،

در این کتاب توضیح می‌دهد که چگونه مطالعه او در مرز مشترک اقتصاد و روانشناسی، منجر به خلق شاخه‌ای جدید در علم اقتصاد شد. تیلر در این کتاب استدلال می‌کند مدل‌های سنتنی اقتصاد، که بر پایه تصمیم‌گیری‌های کاملاً منطقی و عقلانی «انسان اقتصادی» بنا شده‌اند، دنیای واقعی با افرادی پر از احساسات، خطاهای ذهنی و سوگیری‌های مختلف، ناکارآمد هستند. او با زبانی طنزآمیز و به کمک مثال‌های ملموس از زندگی روزمره – مانند خرید بلیت بسکتبال، تصمیم‌گیری برای بازنشستگی یا رفتار مادر مسابقات تلویزیونی – نشان می‌دهد که انسان‌ها در دنیای واقعی لئما در حال «کُزرفتاری» هستند. این کتاب برخلاف بسیاری از کتب اقتصادی، به جای ارائه معادلات خشک، داستان شکل‌گیری یک علم جدید را روایت می‌کند. تیلر خاطرات شخصی خود از همکاری با روانشناسان بزرگی مانند دانیل کانمن، آموس تورسکی و همچنین چالش‌هایش با اقتصاددانان سنتنی را به شکلی خواندنی تعریف می‌کند. خواننده پس از مطالعه این کتاب درمی‌یابد که اقتصاد رفتاری یک علم انتزاعی نیست، بلکه به سادگی می‌تواند توضیح دهد که چرا ما پول بصاداورده را راحت‌تر خرج می‌کنیم یا چرا با وجود سیری، غنای داخل بشقاب را تا آخر می‌خوریم و به ششما می‌آموزد که چگونه بسیاری از تصمیم‌های به ظاهر کوچک اقتصادی، ریشه در روانشناسی ما دارند و چگونه می‌توان با آگاهی از این مکانیسم‌ها، هم در زندگی شخصی و هم در عرصه کسب‌وکار، انتخاب‌های عقلانه‌تری داشت. مطالعه این اثر به تمام کسانی که کنجکاوند بفهمند چه نیروهای پنهانی بر تصمیم‌گیری‌های مالی ما حکم می‌رانند، شدیداً توصیه می‌شود.

اخبار

کاهش قیمت جهانی طلا در معاملات

در پی تقویت شاخص دلار و آرامش نسبی فضای تجاری میان چین و آمریکا، قیمت جهانی طلا در معاملات دوشنبه کاهش یافت و سرمایه‌گذاران چشم به راه تصمیم فدرال‌رزرو درباره نرخ بهره ماندند. به نقل از رویترز، بهای طلا در مبادلات روز دوشنبه تحت تأثیر رشد ارزش دلار و علایم فروکش کردن تنش‌های تجاری میان ایالات متحده و چین کاهش یافت. تقویت دلار و امید به توافق میان ۲ اقتصاد بزرگ جهان، تقاضا برای طلا به عنوان دارایی امن را کاهش داده است. قیمت هر اونس طلا با افت ۱۰٫۲ درصدی به ۴۰۷۱ دلار و ۲۱ سنت رسید در بازار کمکس نیویورک، معاملات آتی این فلز گرانبه‌ای نیز با کاهش ۱۰٫۱۶ درصدی در سطح ۴۰۸۹ دلار و ۷۰ سنت بسته شد. شاخص دلار آمریکا تا بالاترین سطح ۲ هفته اخیر صعود کرد؛ نکته‌ای که موجب شد خرید طلا برای دارندگان سایر ارزها پرهزینه‌تر شود. در همین حال، مقام‌های ارشد واشنگتن و پکن روز یکشنبه بر سر چارچوبی اولیه برای توافق تجاری که زمینه‌ساز تصمیم‌گیری دونالد ترامپ و شی‌جین‌پینگ خواهد بود، به اجماع رسیدند. تحلیلگران معتقدند احتمال دستیابی به این توافق اگرچه نشانه‌ای مثبت برای فضای جهانی تجارت تلقی می‌شود اما محرک‌های صعودی طلا را تضعیف کرده و بخشی از سرمایه‌ها را به سمت بازارهای پرنسبک بازگردانده است. با این حال، چشم‌انداز تسهیل سیاست‌های پولی می‌تواند افت مافت اخیر شدیدتر قیمت طلا شود. انتظار می‌رود فدرال‌رزرو در نشست روز چهارشنبه نرخ بهره را ۰٫۲۵ واحد درصد کاهش دهد.

صعود ۴۳ هزار واحدی شاخص بورس

شاخص کل بورس دیروز با رشد ۴۳ هزار و ۴۱۹ واحدی به ۳ میلیون و ۱۲۷ هزار واحد رسید.

در جریان معاملات دیروز، شاخص کل بورس با افزایش ۴۳ هزار و ۴۱۹ واحدی در سطح ۳ میلیون و ۱۲۷ هزار واحدی ایستاد. فارس، قمی و فولاد ۳ نمادی بودند که بیشترین تأثیر را در شاخص داشتند. وبملت، خودرو و خسیا با هم ۳ نماد پر تراکشن بودند. شاخص کل هم‌وزن نیز با افزایش ۸ هزار و ۱۳ واحدی در تراز ۹۱۵ هزار و ۷۰۹ واحدی ایستاد. دیروز گروه شیمیایی بیشترین ارزش معامله را با ارزش ۹۹۳ میلیارد تومان به خود اختصاص داد.

واکنش رئیس سازمان توسعه تجارت

به تخصیص اعتباری ارز با دامنه محدود کالایی

در حالی که بانک مرکزی تخصیص اعتباری ارز را صرفاً برای کالاهای مشمول ترخیص درصدی پذیرفته، رئیس سازمان توسعه تجارت خواست تیری این روش به سایر گروه‌های کالایی است. سیاست تخصیص اعتباری ارز قرار بود به‌عنوان یک ابزار تسهیلگر واردات و کاهش فشار نقدینگی، نقش مهمی در پشتیبانی از فعالیت‌های تولیدی و تجاری کشور ایفا کند اما اکنون فعالان اقتصادی از اینکه این سازوکار عملاً در مسیر اجرا با محدودیت‌های مواجهه شده، گلایه‌مندند. مکاتبات اخیر سازمان توسعه تجارت در بانک مرکزی نیز نشان می‌دهد اختلاف نظر درباره نحوه و دامنه اجرای این سیستم همچنان ادامه دارد. بانک مرکزی در مکاتباتی که از سوی دهقان‌دهنوی به معاون ارزی بانک مرکزی ارسال شده، تأکید شده است طولانی‌شدن صف تخصیص ارز برای کالاهایی که در فهرست ترخیص درصدی قرار دارند، موجب شده متقاضیان برای تسریع در روند ترخیص به سمت استفاده از روبه ترخیص درصدی سوق داده شوند، روندی که خود به افزایش درخواست‌ها و در پی آن گسترش تعداد کدهای تعرفه مشمول این روبه انجمیده‌است.

«وطن امروز» از ضعف عملکرد وزارت نفت در جذب سرمایه و ارتقای فناوری‌های استخراج و بهره‌برداری گزارش می‌دهد

نفت بی‌برنامه

و وزارت صنعت است؛ نهادهایی که با وجود منابع عظیم، هنوز نتوانسته‌اند مسیر تحول و بهره‌گیری از ظرفیت‌های بخش خصوصی را آغاز کنند.

■ صنعت نفت نیازمند اصلاحات ساختاری

اگر صنعت نفت از وضعیت منفعل فعلی خارج شود ظرفیت‌های بالایی برای اقتصاد ملی، اشتغال و رفاه اجتماعی آزاد خواهد داشت. ایران با دارا بودن یکی از بزرگ‌ترین ذخایر نفت و گاز جهان، نه‌تنها ظرفیت تأمین انرژی داخلی را دارد، بلکه می‌تواند به یکی از قطب‌های صادراتی منطقه بدل شود. توسعه میادین مشترک، افزایش بهره‌وری در استخراج و تکمیل زنجیره ارزش از پالایش تا پتروشیمی، می‌تواند میلیارد‌ها دلار درآمد پایدار برای کشور ایجاد کند. در آن صورت این درآمد نه‌تنها کسری بودجه را از بین می‌برد، بلکه می‌تواند به سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های عمومی، آموزش، سلامت و رفاه اجتماعی منجر شود.

همچنین از منظر اشتغال، صنعت نفت و گاز یکی از پرفریت‌ترین حوزه‌هاست. توسعه میادین جدید، نوسازی تجهیزات و راه‌اندازی پروژه‌های پایین‌دستی می‌تواند صدها هزار فرصت شغلی مستقیم و غیرمستقیم ایجاد کند. این اشتغال، برخلاف بسیاری از مشاغل موقت، از پایداری و تخصص‌گرایی برخوردار است و می‌تواند به ارتقای سطح مهارت نیروی کار کشور منجر شود.

در حوزه فناوری، سرمایه‌گذاری در صنعت نفت می‌تواند به انتقال دانش، بومی‌سازی تجهیزات و ارتقای توان مهندسی کشور کمک کند. در حال حاضر، بسیاری از فناوری‌های مورد استفاده در میادین نفتی ایران متعلق به نسل‌های گذشته است و اتلاف منابع، نتیجه مستقیم همین عقب‌ماندگی فناوریانه است. اگر مسیر سرمایه‌گذاری هدفمند و مشارکت با شرک‌های دانش‌بنیان هموار شود، صنعت نفت می‌تواند به پیشران نوآوری صنعتی در کشور بدل شود.

از منظر منطقه‌ای نیز توسعه صنعت نفت می‌تواند به کاهش نابرابری‌های جغرافیایی کمک کند. بسیاری از میادین نفتی در استان‌های محروم و مرزی قرار دارند. اگر پروژه‌های توسعه‌ای در این مناطق اجرا شوند، نه‌تنها اشتغال و درآمد محلی افزایش می‌یابد، بلکه مهاجرت معکوس و تقویت اقتصاد منطقه‌ای را نیز در پی خواهد داشت.

بر همین مبنا رئیس مجلس با تأکید بر ضرورت اصلاحات ساختاری، هشدار داد فرصت‌های صنعت نفت نباید قربانی بروکراسی و بی‌عملی شود. اگر نقدینگی عظیم کشور به جای بازار طلا و ارز به سمت توسعه واقعی صنعت نفت هدایت شود، می‌توان امیدوار بود این صنعت، نه‌تنها از اتلاف خارج شود، بلکه به موتور محرک اقتصاد ملی، اشتغال پایدار و

چرا ادغام بانک‌های ناتراز در اولویت سیاست‌های پولی کشور قرار گرفت؟

رد پای ناترازها در تورم پنهان

معاون سیاست‌گذاری پولی بانک مرکزی: ادامه فعالیت بانک آینده با زیان انباشته و اضافه‌برداشت‌های سنگین، عملاً به معنای انتقال بار تورمی به دوش ۸۵ میلیون ایرانی بود



شرایطی، ابزارهای سیاست‌گذاری پولی مانند نرخ سود، نرخ سپرده قانونی یا کنترل مقداری ترازنامه، نه‌تنها اثرگذاری ندارند، بلکه به واسطه ناترازی بانک، نتیجه‌ای معکوس تولید می‌کنند. به جای انقباض نقدینگی، شاهد خلق پول جدید هستیم؛ پولی که پشتوانه‌ای ندارد و مستقیماً به تورم دامن می‌زند.

در ادبیات بانک مرکزی، ۲ مسیر برای مواجهه با بانک‌های ناتراز وجود دارد: یا احیای ساختاری با همکاری و تعهد بانک، یا ورود به فرآیند «گزیر» و انحلال. درباره بانک آینده به نظر می‌رسد مسیر دوم انتخاب شده است اما به جای انحلال کامل، دارایی‌ها و بدهی‌های این بانک به بانک ملی منتقل شده تا از شوک‌های اجتماعی و بانکی جلوگیری شود.

این تصمیم، به گفته کارشناسان، نه‌تنها از گسترش بحران جلوگیری می‌کند، بلکه با خشکاندن یکی از چشمه‌های اصلی افزایش پایه پولی، به کنترل تورم کمک خواهد کرد. بنابراین بانک‌هایی که اراده‌ای برای اصلاح ندارند، باید وارد فرآیند گزیر شوند تا عوامل محل سیاست‌های پولی از ساختار اقتصادی حذف شوند.

■ پیامدهای ادامه فعالیت بانک‌های ناتراز

ادامه فعالیت بانک‌هایی مانند آینده به معنای تداوم خلق نقدینگی بی‌پشتوانه، افزایش تورم، بی‌اثر شدن سیاست‌های پولی و در نهایت، فرسایش اعتماد عمومی به نظام بانکی است. به همین دلیل، بانک مرکزی در سال‌های اخیر ساماندهی این مؤسسات را در اولویت قرار داده است.

ر فاه اجتماعی بدل شود اما این مسیر، نیازمند اراده‌ای فراتر از شعار و ساختاری شفاف‌تر از گذشته است. از این رو بازنگری در سیاست‌های کلان انرژی کشور ضروری است. در شرایطی که اتلاف منابع، ضعف فناوری و توقف پروژه‌های بخش خصوصی به چالشی برای آینده صنعت نفت ایران بدل شده‌اند، نمی‌توان با وعده‌های عملیاتی و شعارهای مدیریتی، مساله را پنهان کرد. صنعت نفت اگر قرار است به موتور توسعه بدل شود، باید از بن‌بست بروکراسی، انحصار دولتی و منطق معیوب قرارداده‌ها خارج شود و این، تنها با اراده‌ای ساختاری و شفاف ممکن خواهد بود.

در دولت چهاردهم، وزارت نفت با اتکا به سابقه عملیاتی وزیر، وعده داد ظرفیت تولید نفت کشور را به طور قابل توجهی افزایش خواهد داد. مهم‌ترین هدف اعلام‌شده، افزایش ۴۰۰ هزار بشکه‌ای تولید روزانه نفت بود؛ مأموریتی که از سوی شرکت ملی نفت ایران به عنوان محور راهبردی توسعه در نشست‌های رسمی مجلس و شورای معاونان وزارت نفت مطرح شد. این هدف‌گذاری قرار بود گامی در جهت صنعت نفت ایران برای عبور از وضعیت فعلی باید برنامه مدونی را تدوین و ارائه کند.



رشد بدهی و اضافه‌برداشت منجر می‌شود.

از سوی دیگر، این بانک‌ها با ورود به حوزه‌های غیر تخصصی مانند ساخت‌وساز، خرید شرکت‌های غیرمالی و سرمایه‌گذاری در پروژه‌های فاقد بازدهی، عملاً منابع سپرده‌گذاران را به دارایی‌هایی تبدیل کرده‌اند که نه نقدشونداند و نه قابل امحا. نتیجه این رفتار، نه‌تنها اختلال در سیاست‌های پولی، بلکه بی‌اعتمادی عمومی به نظام بانکی است؛ بی‌اعتمادی‌ای که در چالش‌هایی مانند مؤسسات مالی ورشکسته دهه ۹۰ به اوج رسید.

■ مسیر اصلاح: از ادغام تا انحلال هدفمند

بانک مرکزی در سال‌های اخیر با تدوین چارچوب «گزیر» و ساماندهی، تلاش کرده است بانک‌های ناتراز را یا به مسیر اصلاح ساختاری هدایت کند یا در صورت فقدان اراده، آنها را منحل سازد. ادغام بانک آینده، نمونه‌ای از این سیاست است اما کارشناسان هشدار می‌دهند اگر سایر بانک‌های ناتراز نیز شناسایی و ساماندهی نشوند، چالش نقدینگی و تورم ساختاری ادامه خواهد داشت.

در این مسیر، شفاف‌سازی نسبت‌های نظارتی، ایجاد پایگاه داده ملی دارایی‌ها و الزام به گزارش‌دهی دقیق از وضعیت ترازنامه، از جمله پیش‌نیازهای اصلاح نظام بانکی است. همچنین بازنگری در مجوزهای بانکی، نظارت بر رفتار هیات‌مدیره‌ها و جلوگیری از ورود بانک‌ها به فعالیت‌های غیر تخصصی، باید در دستور کار قرار گیرد. ادغام بانک آینده اگر چه گامی مهم بود اما کافی نیست. تا زمانی که سایر بانک‌های ناتراز در ساختار بانکی کشور باقی بمانند، سیاست‌های پولی با اختلال مواجه خواهند بود و تورم، همچنان از مسیر پنهان خلق نقدینگی تغذیه خواهد شد. اصلاح نظام بانکی نه فقط یک ضرورت فنی، بلکه پیش‌شرط بازسازی اعتماد عمومی و ثبات اقتصادی است که تنها با شفافیت، نظارت و اراده اصلاح‌گرایه می‌توان آن را احیا کرد. در نتیجه‌گیری می‌توان گفت ادغام تصمیمی پرهزینه اما اجتناب‌ناپذیر بود. بانک آینده که با ناترازی ۷۵۰ همتی به یکی از عوامل اصلی رشد پایه پولی و تورم بدل شده بود، دیگر نمی‌توانست در ساختار بانکی کشور باقی بماند. این اقدام، اگرچه درهنگام اما گامی مهم در جهت بازگردندن انضباط به نظام پولی و بانکی کشور است. در نهایت، این ادغام نه پایان یک بحران، بلکه آغاز بازسازی اعتماد در نظام بانکی است؛ اعتمادی که تنها با شفافیت، نظارت و اصلاح ساختاری می‌توان آن را احیا کرد.